

## علل افزایش سن ازدواج دختران\*

کرم حبیب‌پور گتایی\*\*، غلامرضا غفاری\*\*\*

**چکیده:** گذار جامعه ایرانی از نظم سنتی به مدرن و تجربه حیات ملازم با آن، فزونی سن ازدواج دختران را موجب گشته است. بررسی علل افزایش سن ازدواج دختران، موضوعی است که مورد تدقیق معرفتی و روشی این نوشتار قرار گرفته است. از روش پیمایشی استفاده شده و جامعه آماری آن را دو گروه، شامل دختران مجرد و زنان متأهل ۲۵ تا ۴۵ ساله ساکن در مراکز شهری کشور تشکیل داده‌اند. حجم نمونه برابر با ۱۱۹۱ از این دختران در ۵ مرکز شهر تهران، ساری، یزد، مشهد و سنندج بوده است. نتایج نشان داد دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرامادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیش تری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های ازدست رفته بیش از فرصت ازدواج است. دلالت نتایج بر آن است که همه تجربه مدرنیته در سطوح کلان، میانی و خرد، چنانچه این تجربه بدون سیاست گذاری و برنامه‌ریزی مناسب حاصل گردد و از طرفی شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد، تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبت آن خواهد بود.

**واژگان کلیدی:** سن ازدواج، نگرش فرامادی، برابری جنسیتی، ازدواج ترتیب‌داده شده و خودانتخابی.

## مقدمه و طرح مسئله

مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به همین خاطر، این مسئله، علاوه بر ادیان و مذاهب، مبحث توجه حوزه های علمی مختلف چون جامعه شناسی، حقوق، اقتصاد، روانشناسی، فلسفه و... بوده است. این امر به اهمیت خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم جامعه، در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد. افزایش سن ازدواج دختران و

\* مقاله حاضر برگرفته از طرحی با عنوان «رسی آثار و علل بالارفتن سن ازدواج دختران و پیامدهای مجرد قطعی برای آنان» است که به پیشنهاد و حمایت مالی دفتر پو زنان و خانواده ریاست جمهوری انجام شده است.

karamhabibpour@yahoo.com

\*\* مربی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

ghaffary@ut.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۸/۲۳

بروز پدیده تجرد قطعی در بین آنان، از زمره این تحولات است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران، بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته فراصنعتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود، به طوری که براساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طرز برجسته‌ای در بین جمعیت آن افزایش یافته است ( لوگران و زیسیمپولوس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۲). بدین صورت که نسبت افراد ازدواج کرده در این کشور در سال ۱۹۶۰ برابر با ۷۸ درصد بود که در سال ۲۰۰۰ به ۵۲ درصد و در سال ۲۰۰۵ به کم‌تر از ۵۰ درصد کاهش یافت (کوونز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۱).

زمان ازدواج و تشکیل خانواده از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. توسعه و نوسازی در دنیای جدید با تغییر سریع و قابل توجه شرایط اقتصادی و اجتماعی قریب، تغییر در زمان ازدواج و تأخیر آن به زمان های دورتر راجع شده است. های خانوادگی گسترده، فبرولنگی نظامی اقتصاد تجاری و صنعتی به جای اقتصاد کشاورزی سنتی، پیچیده تر شدن تقسیم کار اجتماعی، گسترش تحصیلات همگانی و مشارکت بیش تر زنان در فطیلت های اقتصادی و اجتماعی خرج از خانه عواملی هستند که در تأخیر ازدواج نقش دارند (محمودین، ۱۳۸۳: ۴۸).

افزایش نرخ رشد جمعیت نیز از جمله مؤلفه‌هایی است که به نوبه خود به افزایش سن ازدواج و بروز پدیده تجرد قطعی دامن زده است. بنا بر آمار موجود، نرخ رشد جمعیت در ایران طی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۵ در حدود ۳/۹ درصد بوده است پس از آن نرخ رشد جمعیت در ایران کاهش یافته و تا سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ۲/۵ درصد، و بین سال‌های ۱۳۷۰ به ۱/۵ درصد رسیده است. این تغییرات قابل توجه در نرخ رشد جمعیت به وضوح در شکل هرم جمعیت ایران نیز دیده می‌شود، به طوری که تا سال ۱۳۶۵ قاعده هرم جمعیتی به طور متدام بزرگ و پس از آن کوچک می‌شود. ضمن آن که در چنین شرایطی، میانگین سن مردان در اولین ازدواج بیش از زنان است (جعفری مؤدهی و قندی، ۱۳۸۲: ۱).

از طرفی، نباید از نظر دور داشت که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز تجرد قطعی باعث اختلال دگر کار طبیعی نهاد خانواده شده و به دنبال این امر به طور طبیعی شاهد وجود نابسامانی‌هایی در سطح جامعه هستیم، نابسامانی‌هایی چون شیوع انواع فسادهای اجتماعی، بحران میل جنسی، فرار دختران و...

1. Loughran and Zissimopoulos  
2. Coontz

علل افزایش سن ازدواج دختران ۹

با عنایت به مسئله افزایش سن ازدواج دختران در جامعه و بروز پدیده مجرد قسطی، تحقیق حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال بلشید که چه عواملی باعث افزایش سن ازدواج در بین دختران شده و در این بین، سهم کدام یک بیش تر از بقیه می باشد؟

### پیشینه تجربی موضوع

ادبیات متعدد داخلی و خارجی از پژوهش‌های ایزه زلیو و همسای افزایش سن ازدواج دختران و علل آن عنوان نبروخته‌اند. ابو میان مطالعات داخلی، بهنام (۱۳۴۸: ۱۵۷-۱۲۹) تغییرات اقتصادی و اجتماعی مانند سنگینی جهیزیه و مخارج جشن ازدواج، انتشار تعلیمات متوسطه و عالی، محرومیت گذشته زنان از استقلال اجتماعی و اقتصادی، تغییر شیوه انتخاب همسر از والدین به دختران، مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲) عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند آموزش و آگاهی، تغییر اهداف ازدواج و تغییر معیارهای انتخاب همسپه یا سقاندلوی پیزدید (۱۳۷۵) وضعیت ظاهری و مهریه، سیدفاطمی (۱۳۷۶) عدم امکان شناخت قبل از ازدواج و موانع تحصیلی (آبرخت، ۱۳۸۴)، اصلانی و همکاران (۱۳۷۷) باورهای مغلطه‌انوان اقتصادی، بالابودن توقعات جامعه از جوانان و عدم امکان آشنایی قبل از ازدواج، عزیزی (۱۳۷۷) تهران‌نی (سلطان‌پور، ۱۳۷۹: ۱۲) تحصیلات، یعقوبی چوبری (۱۳۷۸) فقدان همسر دلخواه و مرددبودن در تصمیم‌گیری، ربلی و سارانی (۱۳۸۰) تحصیلات، تورم اقتصادی، بالابودن هزینه ازدواج و مهریه زیاد، صیفوری طغراجردی (۱۳۸۲) نوع خانواده و منبع تصمیم‌گیری راجع به ازدواج، محمودیان (۱۳۸۳) تحصیلات، شهرنشینی، مشارکت زنان در نیروی کار، ازدواج‌های آزادتر و برابری بیش‌تر جنسیتی و نیک‌منش و کاظمی (۱۳۸۳) نیافتن فرد مورد علاقه و ادامه تحصیل را مهم‌ترین دلالتی دانسته‌اند که موجب تأخیر ازدواج در بین دختران می‌شوند.

مطالعات خارجی مختلف نیز به نتایجی درخ صوص عوامل بر تغییر سن ازدواج دختران دست یازیدند که به نوبه خود سهم مهم و حتی بسیار بیشتری از مطالعات داخلی در پیش‌برد معرفتی و روشی این تحقیق داشته‌اند. عنوان مثال، گارینو<sup>۳</sup> (۱۹۹۲) به تأثیر افزایش طلاق در جامعه (آبرخت، ۱۳۸۴) برودرل<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) به تأثیر نهض آموزشی (حین تحصیل) سرمایه انسانی (اتمام تحصیلات عالی) و نگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) سرمایه

3. Guarino

4. Brüderl

5. Wong

انسانی و زمینه های اجتماعی و خانوادگی، تزویاً<sup>۶</sup> (کالول<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ۳-۲) و هیول<sup>۸</sup> (منش و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵: ۱۵) تغییر مرکز ثقل فرآیند تصمیمگیری و انتخاب راجع به همسر از والدین (ازدواج ترتیب داده شده) به خود فرزندان ( ازدواج خودانتخابی)، کانستنس شل<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۶؛ به نقل از أبرخت، ۱۳۸۴)، هامپلوا<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) و راکوم نایکیت<sup>۱۲</sup> (۲۰۰۳؛ نقل از نوبل و باتند پهم<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶؛ تأثیر شرایط اقتصادی حاد و بحرانی لوگران و زیسیموپولوس (۲۰۰۴: ۲) و کالول (۲۰۰۵) تغییرات اقتصادخصوص در حوزه بازار نیروی کار و توسعه شغلی، بازتاب بافت فرهنگی و تغییرات اقتصادی واجتماعی، راونرا و راجالتون<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۵) استقلال اقتصادی، ورود به دوره شغلی و به هم وابستگی اقتصادی، میترا<sup>۱۵</sup> (۲۰۰۴) منش (۲۰۰۵) و نگ<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۶) به تأثیر تحصیلات بر افزایش سن ازدواج در بین دختران اشاره کرده اند.

## مبانی نظری

### نظریه های اقتصادی

نظریه های اقتصادی درباب سن ازدواج و تأخیر آن را می توان به عنوان نظریه های انتخاب عقلانی اطلاق کرد که سعی دارند با تکیه بر مهای اقتصاد خرد کاربردی، به تبیین دلایل تعویق و تأخیر ازدواج در بین مردان و به خصوص زنان پردازند (فریدمن و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۴). این گروه از صاحب نظران، دگرگونی در رفتار خانواده را به کمک عوامل اقتصادی و نهادی تبیین کرده و در وهله نخست بر تغییراتی تأکید می نمایند که در بازار کار رخ داده اند. این نظریه ها بر این فرض پایه اند که رفتار انسانی هدف محور بوده و افراد، آن نوع استراتژی های رفتاری را بروز می دهند که آن ها را به سمت نیل به این هدف هدایت می کنند. نظریه های انتخاب عقلانی بیش تر به تحلیل وابستگی بین تحصیلات و تشکیل خانواده می پردازند.

6. Tsuya

7. Caldwell

8. Hull

9. Mensch and et al.

10. Canstancel Shel

11. Hamplova

12. Rukumnuaykit

13. Nobles and Buttenheim

14. Ravanera and Rajulton

15. Mitra

16. Peng

17. Friedman and et al.

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۱

این نظریه‌ها پایه خود را بیش‌تر بر این ایده می‌گذارند که منبع نهادی یک جامعه بر رفتار تأثیر می‌گذارد (خصوصاً در سطح کلان ساختاری)، زیرا این منبع محرکه‌هایی را برای برانگیختن رفتار تعریف می‌کند (کلمن و فارارو<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۳: ۶). در یک چارچوب انتخاب، بافت و شرایط تعیین می‌کند که فرد تا چه اندازه در تعیین اولویت هایش و به همین سیاق تخصیص زمان و انرژی مخیر است. به عبارتی، این بافت و شرایط گزینه‌هایی را تعریف می‌کند که فرد می‌تواند از بین آن‌ها دست به‌گزینش بزند (ویلکنز<sup>۱۹</sup>، ۱۹۸۹). در مجموع، نظریه‌های انتخاب عقلانی، نوعی نظریه هزینه - فایده‌است که در تحلیلی اقتصادی کاربرد برای تحلیل ازدواج به کار می‌رود (گروسبارد-شچمن<sup>۲۰</sup>، ۲۰۰۳: ۱۵).

مهم‌ترین نظریه‌های اقتصادی که تبیین‌هایی درخصوص افزایش سن ازدواج ارائه داده‌اند، عبارت می‌باشند از: نظریه هزینه فرصت<sup>۲۱</sup> (فانچ<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۴: ۱۹۲-۱۸۳)، نظریه بیشینه‌سازی سود‌گری بکر<sup>۲۳</sup> (۱۹۹۶: هیل و همکاران<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۳: ماتوسچک و رسول<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۶: ۴: هو و سیو<sup>۲۶</sup>، ۲۰۰۶: ۲: روزینا و فرابونی<sup>۲۷</sup>، ۲۰۰۴: ۵)، فرضیه جذابیت اوپنهایمر<sup>۲۸</sup> (۱۹۹۸: ۵۸۳: برودرل، ۱۹۹۷) و انگاره اروپایی هاجنال<sup>۲۹</sup> (منش و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۷).

### نظریه‌های جامعه‌شناختی

نظریه‌های جامعه‌شناسی، به‌عنوان نظریه‌های هنجاری، در تحلیل افزایش سن ازدواج، به تبیین تغییرات حاصله در خانواده در زمینه ارزش‌ها، خواسته‌ها و انتظارات می‌پردازند. نظریه پردازان این دسته از نظریه‌ها در تحلیل خود در زمینه تحول سن ازدواج پرسکولاریزاسیون، فردگرایی، اهمیت روبه‌رشد استقلال و خودمختاری وایدئولوژی‌های جدید در رابطه با نقش‌های جنسیتی تأکید دارند. این دسته از نظریه‌پردازان در عین حال که به تأثیر عوامل ساختاری و اقتصادی واقفند و آن‌را به‌همل نمی‌گیرند، بیش‌تر بر این فرض

18. Coleman and Fararo
19. Willekens
20. Grossbard-Shechtman
21. Opportunity cost
22. Fuchs
23. Gary S. Becker
24. Hill and et al.
25. Matouschek and Rasul
26. Hoo and Siow
27. Rosina and Fraboni
28. Oppenheimer
29. Hajnal

تغییرات فناوری و توسعه شرایط اجتماعی موجب بروز تغییراتی در ارزش ها و ترجیحات شدند که در نهایت تمامی آن ها تغییر در رفتار فرد را در پی داشته اند. همچنین، صاحب نظران نظریه های هنجاری در خصوص افزایش سن ازدواج بر این باورند که پخش ارزش ها (اعم از مدرن، پست مدرن و فرامادی گرایی) به گونه ای با پیشرفت تحصیلی ارتباط دارد (فریدمن و همکاران، ۱۹۹۴).

مهم ترین نظریه پردازان جامعه شناسی که در بررسی افزایش سن ازدواج، مؤلفها و فاکتورهای جامعه شناختی را لحاظ کرده اند، عبارت می باشند از: نظریه ارزش های فرامادی گرایی اینگلهارت<sup>۳۰</sup> (۱۳۸۲: ۵۹؛ فریدمن و همکاران، ۱۹۹۴) نظریه قابلیت دسترسی، امکان پذیری و مطلوبیت ازدواج دیکسون<sup>۳۱</sup> (۱۹۷۱؛ لاندال و تولنای،<sup>۳۲</sup> ۱۹۹۱؛ مین،<sup>۳۳</sup> ۱۹۹۷: ۳-۴)، نظریه سرمایه انسانی انگلند فارکس و اوپنهایمر<sup>۳۴</sup> (انگلند و فارکس، ۱۹۸۶؛ بلوسفلد و هامرل<sup>۳۵</sup>، ۱۹۹۲؛ باتنهایم<sup>۳۶</sup>، ۲۰۰۶: ۶)، نظریه نوسازی ویلیام گود<sup>۳۷</sup> (مین، ۱۹۹۷: ۲)، نظریه نوسازی نگوین هو مین<sup>۳۸</sup> (آستین فشان، ۱۳۸۰) نظریه مک دونالد و هیوول<sup>۳۹</sup> (آستین فشان، ۱۳۸۰).

### نظریه های جمعیت شناختی

در میان نظریه های جمعیت شناسی مرتبط با ازدواج، نظریه گذار جمعیتی دوم<sup>۴۰</sup> مهم ترین نظریه می باشد. نظریه گذار جمعیتی دوم بر تأثیر هماهنگ عوامل اقتصادی و اجتماعی (به ویژه تضعیف کنترل هنجاری و افزایش استقلال اقتصادی زنان)، فرهنگی (سکولاریزاسیون) و فناوری مدرن (جلوگیری از حاملگی) بر افزایش سن ازدواج تأکید دارد. این عوامل، در کنار همدیگر، ترجیحات و سلیق افراد را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث کاهش سن ازدواج شده اند. بنابراین، طبق

30. Ronald Inglehart

31. Dixon

32. Landale & Tolnay

33. Minh

34. England, Farkas and Oppenheimer

35. Blossfeld & Hamerle

36. Buttenheim

37. William Good

38. Nguyen Huu Minh

39. Mc Donald and Hull

40. Second Demographic Transition=SDT

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۳

نظریه گذار جمعیتی دوم، افزایش تصاعدی در خودمختاری فردی در زمینه‌های اخلاقی، مذهبی و سیاسی، اساس تغییرات صورت گرفته در تشکیل خانواده است. سکولاریسم، جنبش‌های رهایی‌بخش، گسترش ارزش‌های فرامادی‌گرایی (ظیر توسعه شخصی و خودشکوفایی) تردید نسبت به نهادها و افزایش بی‌تابی نسبت به دخالت افراد بیرونی در زندگی شخصی (از هر نوع منبع اقتدار) جزء جنبه‌های مختلف تحول در ارزشها هستند که به نوبه خود باعث شده‌اند تا فرد برطبق اراده آزاد خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. بنابراین، کاهش ازدواج و افزایش جایگزین‌هایی مانند هم‌خانگی را می‌توان نمود نگرش غیرهمنوا و اعتراض علیه منابع اقتدار و همچنین شیوهی برای آشکارسازی آزادی فردی در مقابل قراردادهای و عرف دانست. بنابراین، پیش‌قراولان این‌تأرفجدید، عموماً افراد تحصیل‌کرده‌تر، سکولارتر و خودمختارتر و در نتیجه کسانی هستند که برای روابط عاطفی‌شان، خواستار فراهم‌بودن حداقل شرایط لازم زندگی هستند. از طرفی، هرچه محدودیت کمتری برای نسل‌های جوان‌تر وجود داشته باشد، آن‌ها نسبت به پذیرش رفتارهایی که به قبول تعهد و مسئولیت ختم می‌شود، بی‌خیال‌تر می‌شوند. از این رو، آن‌ها گرایش دارند از آن دسته انتخاب‌هایی که امکان بازگشت در مورد آن‌ها وجود ندارد و یا خیلی الزام‌آورند، اجتناب کنند (روزینا و فرابونی، ۲۰۰۴: ۶-۵).

### نظریه نوسازی

نظریه نوسازی<sup>۴۱</sup> به عنوان آخرین دسته از نظریه مورد استفاده در این تحقیق بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد و در بین تمامی گروه‌ها شده که این تغییرات به نوبه خود موجب دگرگونی در ارزشها، انتظارات، خواسته‌ها و... خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۷۷: ۳؛ از کیا، ۱۳۷۴: ۲۶). مفروض اصلی تحقیق حاضر نیز بر این است که ریشه اصلی و علت‌العلل تمامی ریشه‌های ثانوی تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج، موضوع تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی می‌باشد که البته چنین موضوعی به نوعی آشکارا و تلویحی در بین نظریه‌های قبلی اقتصادی، اجتماعی و جمعیت‌شناسی نیز اذعان شده است.

41. Modernization

## چارچوب نظری تحقیق

به دلیل خصلت چندبعدی اپتیماهای و انسانی، و تکثر نظریه‌های متعدد در خصوص زوایای گوناگون ازدواج دختران، سعی گردید از طریق گزینش تلفیقی بهینه از نظریه‌های مرتبط و مقتضی، به شناخت و تبیین بهتری از دلایل افزایش سن ازدواج دختران و همچنین پیامدهای بروز پدیده تجرد قطعی برای آنان دست یابیم. همین روی، چارچوب نظری انتخابی این تحقیق، تلفیقی از بررسی ادبیات نظری و تجربی تحقیق بوده است. بدین معنی که در این تحقیق، نظریه‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و نوسازی با توجه به متغیرهای اصلی چارچوب‌ها هدایت نظری تحقیق انتخاب شده و سایر مراحل تحقیق براساس این رویکردها پی‌گرفته شده‌اند. مدل زیر ساخت روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر سن ازدواج را براساس کلید متغیرهای این نظریه‌ها نشان می‌دهد. در این تحقیق، سعی گردید تا این مدل نظری مورد آزمون عملیاتی قرار گرفته و صحت و سقم ارتباط متغیرهای مستقل با ازدواج دختران آزمون شود البته در آزمون این مدل، از آنجا که تعداد متغیرهای مطرح شده در سه حوزه کلان، میانی و خرد بسیار زیاد می‌باشند و در نتیجه امکان سنجش تمامی آن‌ها در یک تحقیق عملی نمی‌باشد و از دقت سنجش کاسته می‌شود، در تحقیق حاضر، حدود و ثغور تحقیق را به عوامل خرد معطوف نموده و سعی گردید متغیرهای فردی به صورت دقیق سنجیده شده و نوع و جهت روابط آن‌ها با متغیر وابسته تحقیق (ازدواج دختران) آزمون گردد (بشکل ۱). تحلیل متغیرهای سطوح میانی و کلان، از دستاوردهای نظری تحقیق استفاده شده است (شکل ۱).

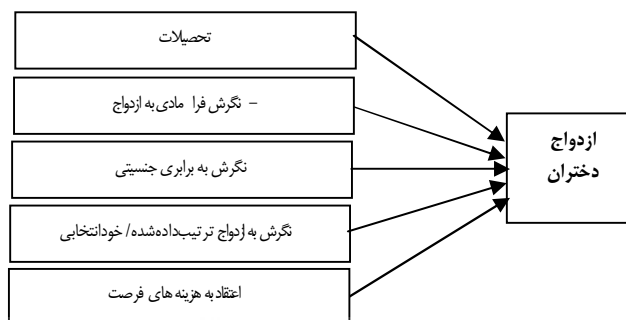


شکل (۱): مدل نظری کلان تحقیق



علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۵

شکل شماره (کلل) نظری خرد تحقیق که در آن به بررسی تأثیر متغیرهای فردی بر ازدواج دختران پرداخته شده، نشان می‌دهد. بنابراین، هدف تحقیق، آزمون تجربی این مدل است.



شکل (۲): مدل نظری خرد تحقیق

#### فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین تحصیلات دختران و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نگرش فرامادی دختران نسبت به ازدواج و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نگرش دختران به برابری جنسیتی و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نگرش دختران به ازدواج ترتیب‌داده‌شده یا خودانتخابی (کانون تصمیم‌گیری در مورد انتخاب همسر) و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اعتقاد دختران به افزایش هزینه‌های فرصت در نتیجه ازدواج و وضعیت تأهل آنان رابطه وجود دارد.

#### روش پژوهش

#### جامعه آماری، نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان ۲۵ تا ۴۴ ساله ساکن در مراکز شهری استان‌های کشور بوده است که شمار آنها به ۷۶۵۸۳۷۹ نفر می‌رسد. انتخاب این گروه سنی به‌عنوان جامعه آماری بدین خاطر بوده است که براساس گزارش مرکز آمار ایران، سن ۲۵ سالگی، میانگین سن ازدواج دختران در کشور بوده و سن ۴۴ سالگی نیز سن پیش از مجرد قطعی (۴۵ سال) است که نگارندگان با عنوان "سن مجرد احتمالی" و به‌عبارتی "سن مجرد پیش‌قطعی" از آن یاد می‌کنند و بنابراین گذار از این دوره سنی، زمینه افزایش سن ازدواج و ورود به دوره مجرد قطعی را تشدید می‌کند.

برای انتخاب حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده شده که حجم نمونه برابر با ۱۲۹۱ نفر محاسبه شده است. همچنین، برای انتخاب نمونه از این گروه، ابتدا استان‌های مختلف برحسب ضریب شاخص توسعه انسانی تعدیل‌یافته براساس جنسیت به ۵ طبقه تقسیم شده<sup>۴۲</sup> و سپس با توجه به موقعیت جغرافیایی، شرایط اقتصادی، اجتماعی و وضعیت اقلیمی استان‌ها، ۵ استان تهران، مازندران، خراسان رضوی، لرستان و کردستان انتخاب شدند. در ادامه، براساس روش نمونه‌گیری مطابق متناسب، تعداد نمونه در استان‌های انتخابی برحسب جمعیت زنان گروه سنی ۲۵ تا ۴۴ ساله محاسبه گردید. در نهایت نیز، مراکز شهری هر ۵ استان براساس ملاک جغرافیایی، به ۳ منطقه جغرافیایی تقسیم شده، و سپس براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده با انتخاب چند بلوک در نقاط مختلف شهر، واحدهای آماری انتخاب و مورد پرسش قرار گرفتند.

#### جدول (۱): توزیع استان های کشور برحسب شاخص توسعه انسانی تعدیل یافته

طبقه	نام استان	ضریب شاخص توسعه انسانی	حجم جامعه آماری	حجم نمونه اولیه	حجم نمونه تعدیل یافته
بالای بالا	گیلان، یزد، اصفهان، تهران	۰/۶۱۰ - ۰/۶۴۶	۲/۰۸۱/۲۲۱	۸۳۶	۵۳۶
بالا	فارس، سمنان، مازندران، چهار محال و بختیاری، مرکزی، کرمان	۰/۵۶۲ - ۰/۵۸۴	۲۵۷/۸۶۱	۱۰۳	۲۰۳
متوسط	قم، خراسان رضوی، آذربایجان شرقی، کرمانشاه، ایلام، خوزستان	۰/۵۱۵ - ۰/۵۵۵	۵۸۶/۴۱۰	۲۳۶	۲۳۶
پائین	اردبیل، بوشهر، لرستان، همدان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان	۰/۴۹۰ - ۰/۵۱۰	۱۵۶/۸۵۴	۶۳	۱۶۳
پائین پائین	هرمزگان، آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان	۰/۳۹۳ - ۰/۴۸۶	۱۳۱/۶۰۲	۵۳	۱۵۳
-	جمع کل مناطق	-	-	۱۲۹۱	۱۲۹۱

توجه: تعداد جمعیت استان‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ و تعداد و اسامی استان‌ها براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ می‌باشد.

زعم، نگارندگان و مفروضه اصلی تحقیق مبنی بر نقش مدرنیته و توسعه به‌خصوص شاخص‌های انسانی آن در افزایش سن ازدواج، انتخاب شاخص توسلسانی دلیل مناسبی برای طبقه‌بندی استان‌ها می‌باشد. همچنین، با عنایت به تمرکز موضوع تحقیق بر افزایش سن ازدواج دختران، برای دقت بهتر طبقه‌بندی، از شاخص توسعه انسانی تعدیل‌یافته براساس جنسیت استفاده شده است.

### تعریف مفاهیم و متغیرها

- **ازدواج دختران متغیر وابسته** این تحقیق، وضعیت ازدواج دختران می باشد که در مقیاس اسمی با دو طبقه متأهل (با کد ۱) و مجرد (با کد ۲) مورد سنجش قرار گرفته است. بدین معنی که از طریق طبقه بندی زنان در دو گروه متأهل و مجرد و براساس پیش‌بینی‌کننده های تحقیق، به بررسی عوامل مؤثر بر بالا رفتن سن ازدواج در بین دختران پرداخته شده است.

- **تحصیلات:** مجموعه سال‌های آموزشی رسمی است که یک فرد در طی دوره‌های آموزشی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و دانشگاهی می‌گذراند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).<sup>۴۳</sup> این تحقیق، تحصیلات پاسخ‌گویان در قالب مقیاس فاصله‌ای و از طریق تعداد سال‌های تحصیل مورد سنجش قرار گرفته است.

- **نگرش فرامادی به ازدواج:** این مفهوم برگرفته از مفاهیم مادی‌گرایی/فرامادی‌گرایی<sup>۴۳</sup> اینگلهارت است. اینگلهارت ارزش‌های مادی‌گرایی را شامل رفاه فیزیکی و نیل به امنیت و ارزش‌های فرامادی‌گرایی را ناظر بر کیفیت زندگی می‌داند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: مقدمه). در این تحقیق، نگرش فرامادی به ازدواج از طریق ۵ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است: ۱- ازدواج هم مثل سایر مراحل زندگی است و فرقی با آن‌ها ندارد. ۲- بالاخره باید یک روزی ازدواج کرد. ۳- آدم تا موقعی که عاشق طرف مقابل خود نشده، نباید با او ازدواج کند. ۴- باید کسی را برای ازدواج انتخاب کرد که بتوان با او به کمال رسید. ۵- ازدواج موضوع مهمی است و نباید آن را دست کم گرفت.

- **نگرش به برابری جنسیتی:** در این تحقیق، نگرش به برابری جنسیتی در قالب مفهوم باورهای جنسیتی جانن سالزمن چافز<sup>۴۴</sup> تعریف شده است. نظریه برابری جنسیتی خود اشاره می‌کند که باورها یا ایدئولوژی جنسیتی مربوط به تفاوت‌های پایه و زیست‌شناختی در ماهیت مردان و زنان می‌باشد (ترنر، ۲۰۰۳: ۱۸۸).<sup>۴۵</sup> نگوییل پاسخ به برابری جنسیتی همه چیز شامل آموزش و تحصیلات، اشتغال، فعالیت‌های سیاسی، داشتن پست‌های مدیریتی، تصمیم‌گیری در امور محلی و ملی، انتخاب همسر، انجام امور خانه، و تربیت فرزندان و در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است که براساس

<sup>43</sup>. Materialism and Postmaterialism

<sup>44</sup>. Janet Saltzman Chafetz

<sup>45</sup>. Turner

مجموع این ۸ گویه، نمرات بیش تر شاخص نشان از نگرش متعصبانه به برابری جنسیتی و نمرات کم تر دلالت بر نگرش کم تر مثبت آنان به برابری جنسیتی دارد.

**نگرش به ازدواج ترتیب داده شده/ خودانتخابی** به مرکز ثقل انتخاب ازدواج دارد که می تواند در سه شکل ترتیب داده شده (والده، فرد، خودانتخابی) هر دو به طور مشترک اتفاق افتد. برای سنجش این متغیر، در قالب یک مقیاس اسمی از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را راجع به مهم ترین مرجع تصمیم گیری پیرامون انتخاب همسر در سه گزینه خانواده خود دو طرف، و خانواده ها و دو طرف به طور مشترک اعلام نمایند.

**اعتقاد به هزینه فرصت:** هزینه فرصت به معنای فراغت یا هزینه ای است که در نتیجه صرف نظر از انجام کاری، متوجه فرد می شود. یعنی شخص با انجام یک کار ترجیح داده است تا از کار یا مزیت کار دیگر صرف نظر نماید. بر اساس نظریه نئوکلاسیک ها، چون فرد کنش گر همواره در دوطرف است تا منفعت خود را به حداکثر برساند، بنابراین باید آن است تا حد ممکن هزینه فرصت خود را به صفر برساند (فانچ، ۴۶، ۱۹۹۴: ۱۹۲-۱۵۳). این تحقیق، هزینه فرصت از طریق ۳ گویه با مقیاس ترتیبی سنجیده شده است: ۱- آدم با ازدواج کردن، بسیاری از فرصتهایی را که می تواند بدست بیاورد، از دست می دهد، مانند موفقیت بیش تر در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و شغلی. ۲- انگلشت آتفا می خرد عمر ازدواج نکند و مجرد بماند. ۳- ازدواج بیش تر به ضرر آدم تمام می شود تا سود او.

### روایی و پایایی ابزار اندازه گیری

در این تحقیق، سنجش میزان روایی<sup>۴۷</sup> ابزار اندازه گیری از طریق روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) انجام گرفته است. بدین معنی که در این روش، پرسشنامه پس از تدوین اولیه با ناظر محترم طرح و تنی چند از کارشناسان و محققان موضوعی در میان گذاشته شد و سپس پس از باز خورد و اعمال نظرات آنان در پرسشنامه و جرح و اصلاح آن، قابلیت اعتبار پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت.

همچنین، برای سنجش میزان پایایی<sup>۴۸</sup> ابزار اندازه گیری (دال بر تکرار پذیری و تعمیم پذیری پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بدین طریق که ابتدا ۳۰ پرسشنامه (۱۵ پرسشنامه در بین دختران

<sup>46</sup> Fuchs

<sup>47</sup> Validity

<sup>48</sup> Reliability

علل افزایش سن ازدواج دختران ۱۹

مجرد و ۱۵ پرسشنامه در بین زنان متأهل) جهت پیش آزمون انتخاب شده و پرسشنامه اولیه تحقیق در میان آن‌ها تکمیل شد. سپس، میزان آلفای کرونباخ مقیاس‌های پرسشنامه محاسبه و بعد از اصلاح پرسشنامه (حذف گویه‌های زائد و اضافه کردن گویه‌های لازم)، پرسشنامه نهایی تحقیق تدوین و در میان نمونه آماری منتخب از جامعه آماری تکمیل شد. نتایج پایایی نشان می‌دهد که در مورد تمامی مقیاس‌ها، مقدار آلفای سایر مقیاس‌ها از مقدار ۰/۷۰ بالاتر است و این نشان‌گر میزان بالای هم‌سازی درونی گویه‌های مربوط به این مقیاس‌ها در جهت سنجش و بررسی آن‌ها می‌باشد. ضمن آن‌که بیش‌ترین مقدار آلفا مربوط به مقیاس اعتقاد به برابری جنسیتی به میزان ۰/۸۱ می‌باشد.

#### جدول (۲): مشخص‌کننده‌های آماری قابلیت اعتماد و پایایی ابزار اندازه‌گیری

مقیاس	تعداد گویه	میانگین مقیاس	واریانس مقیاس	آلفای کل
عتقاد به برابری جنسیتی	۸	۲۹/۴۰	۳۰/۷۵	۰/۸۱
اعتقاد به هزینه فرصت	۳	۱۱/۵۷	۷/۵۵	۰/۷۱
نگرش فرامادی به ازدواج	۵	۱۸/۴۰	۱۰/۵۰	۰/۷۳

#### یافته‌های تحقیق

##### یافته‌های توصیفی

##### یافته‌های مربوط به بافت نمونه آماری

- بیش‌ترین پاسخ‌گویان این تحقیق به ترتیب مربوط به استان‌های تهران (۴۱/۵ درصد)، خراسان رضوی (۱۸/۳ درصد)، مازندران (۱۵/۷ درصد)، لرستان (۱۲/۶ درصد) و کردستان (۱۱/۹ درصد) بوده‌اند.
- میانگین سنی پاسخ‌گویان مجرد حدود ۲۸ سال و پاسخ‌گویان متأهل حدود ۳۲ سال بوده است.
- ۶۵ درصد مجردها و ۴۷/۵ درصد متأهل‌ها دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. میانگین تحصیلات پاسخ‌گویان مجرد ۱۴/۷ سال و متأهل ۱۲/۹ سال بوده است.
- ۷۵/۸ درصد از مجردها و ۷۶/۴ درصد از متأهل‌های کل مناطق بر این باور بوده‌اند که در انتخاب همسر، هم طرفین و هم خانواده‌ها به‌طور مشترک نقش دارند و نقش هیچ‌یک برجسته نمی‌باشد.
- مهم‌ترین دلایل تجرد دختران مجرد به ترتیب عبارت بوده‌اند از: فقدان همسر مورد علاقه و دلخواه (۵۰ درصد)، ادامه تحصیل (۲۱ درصد) و بی‌اعتمادی به جنس مخالف (۱۰ درصد).

جدول (۳): توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	مقوله‌ها	مجرد	متأهل
استان	تهران	۵۱/۹	۴۸/۱
	مازندران	۴۷/۳	۵۲/۷
	لرستان	۵۲/۱	۴۷/۹
	خراسان رضوی	۴۸/۷	۵۱/۳
	کردستان	۵۱/۶	۴۸/۴
کل		۵۰/۶	۴۹/۴
سن	۲۵ سال	۲۹/۶	۱۱/۵
	۲۶ تا ۲۷ سال	۲۶/۶	۱۶/۴
	۲۸ تا ۳۰ سال	۲۲/۹	۲۰/۴
	۳۱ تا ۳۶ سال	۱۵/۵	۲۴/۳
	۳۷ تا ۴۴ سال	۵/۴	۲۷/۳
میانگین سن		۲۸/۲۷	۳۲/۳۸
تحصیلات	ابتدایی	۱۱/۹	۱۲/۴
	راهنمایی	۲/۳	۵/۸
	متوسطه	۲۰/۴	۳۴/۳
	کاردانی	۱۳/۸	۱۳/۸
	کارشناسی	۴۰/۱	۲۷
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۱/۵	۶/۷
میانگین سال‌های تحصیل		۱۴/۷۱	۱۲/۹۵
مراجع تصمیم‌گیری راجع به ازدواج	خانواده‌ها	۲/۵	۳/۹
	خود دو طرف	۲۰/۵	۱۸/۲

ادامه جدول (۳): توزیع نسبی پاسخ گویان برحسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	مقوله‌ها	مجرد	متأهل
مهم ترین دلایل تجرد پاسخ گویان	خانواده‌ها و دو طرف به‌طور مشترک	۷۵/۸	۷۶/۴
	نمی‌دانم	۱/۲	۱/۴
	ادامه تحصیل	۲۰/۹	-
	تغییر نگرش و معیارهای دخترها	۲/۶	-
	فقدان همسر دلخواه و مورد علاقه	۴۹/۶	-
	بی‌اعتمادی به جنس مخالف (پسر)	۱۰/۲	-
	سخت‌گیری خانواده‌ها	۴/۳	-
	عدم تمایل پسرها به ازدواج	۲/۱	-
	مرد بودن در تصمیم‌گیری	۶/۸	-
	سختی تهیه جهیزیه و برگزاری مراسم ازدواج	۰/۴	-
فقدان درآمد کافی	۱/۵	-	
سایر	۱/۵	-	

توجه: متغیر مهم ترین دلایل تجرد پاسخ گویان یک متغیر شرطی بوده و تنها مربوط به پاسخ گویان مجرد می‌باشد.

#### یافته‌های مربوط به نظرات پاسخ گویان

- ۵۷/۶ درصد از مجردها و ۵۸/۹ درصد از متأهل اعتقاد زیادی به برابری زنان و مردان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته‌اند.
- ۲۵/۳ درصد از مجردها و ۱۸/۴ درصد از متأهل‌ها اعتقاد زیادی داشته‌اند که هزینه ازدست‌دادن فرصت ازدواج، بسیار کم‌تر از هزینه ازدست‌دادن سایر فرصت‌ها به‌خصوص تحصیلی و شغلی است.

- ۶۲/۶ درصد از مجردها و ۵۲/۴ درصد از متأهلها واجد نگرش فرامادی به ازدواج بوده و ازدواج برای این دسته از افراد، از حالت ارزش مادی خارج و به سمت ارزش فرامادی حرکت کرده است.

جدول (۴): توزیع نسبی پاسخ گویان بر حسب مقیاس های مختلف

م	پاسخها		گر وهها	مقیاس	ر دیف
	ب ینابین	م وافق			
۱۷	۱۷	۶	مج	اعتقاد به برابری جنسیتی	۱
۱۶	۲۵	۵۷/	رد		
۱۱	۲۵	۹	م	اعتقاد به هزینه فرصت	۲
۱۶		۵۸/	تأهل		
۱۷	۱۴	۳	مج	نگرش فرامادی به ازدواج*	۶
۶۰		۲۵/	رد		
۱۸	۱۸	۴	م		
۶۵	۱۵	۱۸/	تأهل		
۱۹	۱۵	۶	مج		
۲۳	۱۳	۶۲/	رد		
۱۶	۱۳	۴	م		
۳۴		۵۲/	تأهل		

\* طیف این مقیاس به ترتیب شامل زیاد، متوسط و کم می باشد.

### یافته های تحلیلی

#### یافته های حاصل از آزمون رابطه بین متغیر مستقل و وضعیت تأهل

تنها آزمون رابطی که در این تحقیق استفاده شده، مربوط به فرضیه‌ی است دال بر رابطه بین نگرش به ازدواج ترتیب داده شده/خودانتخابی با وضعیت تأهل. نتیجه آزمون این فرضیه نشان داد که رابطی بین نگرش به ازدواج ترتیب داده شده/خودانتخابی و وضعیت تأهل در هیچ کدام از سطوح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ وجود ندارد ( $P=۰/۳۷$ ;  $Cramer's V=۰/۰۵$ ). بدین معنی که دختران مجرد و



علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۳

زنان متأهل با نسبت‌های یکسان و برابری اعتقاد داشتند که انتخاب همسر باید به‌طور مشترک هم توسط خانواده‌ها و هم توسط دو طرف انجام گیرد و از این حیث تفاوتی در نظر آن‌ها مشاهده نشده است.

جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون رابطه بین متغیر مستقل و متغیر وابسته وضعیت تأهل

متغیرها	مقیاس متغیرها	مقدار آماره کای اسکوئر ( $X^2$ )	آماره پیوستگی	درجه آزادی	مقدار پیوستگی	سطح معنی‌داری (P)
نگرش به ازدواج ترتیب داده‌شده/خودانتخابی - وضعیت تأهل	اسمی - اسمی	۳/۱۱	وی کرامر	۲	۰/۰۵	۰/۳۷

یافته های حاصل از آزمون تفاوت متغیرها در بین دختران مجرد و متأهل

جدول شماره (۶) ایچ حاصل از آزمون تفاوت میانگین متغیرهای مورد مقایسه (متغیرهای فاصله‌ای و به عبارتی روشن‌تر، شیب‌فاصله‌ای) آگدوه دختران مجرد و زنان متأهل را نشان می‌دهد. با استناد به نتایج این جدول:

- میزان تحصیلات دختران مجرد بیش‌تر از زنان متأهل می‌باشد ( $t=۳/۹۰$ ،  $P<۰/۰۱$ ).

دختران مجرد در مقایسه با زنان متأهل اعتقاد بیش‌تری دارند که ازدواج یک امر فرامادی است و نمی‌توان همانند گذشته با آن برخورد کرد. به‌بیانی، دختران مجرد ازدواج را نه به‌عنوان مرحله‌ای ضروری و بایسته در زندگی، بلکه مرحله‌ای می‌دانند که باید اهمیت و توجه زیادی برای آن قائل شد. تعریف این دختران از ازدواج، تعریفی فرامادی است. درحالی‌که در میان گروه زنان متأهل، کم‌تر شاهد چنین نگرشی راجع به ازدواج هستیم. ازدواج در بین گروه اخیر، ماهیت مادی دارد ( $t=۲/۶۶$ ،  $P<۰/۰۱$ ).

- دختران مجرد و زنان متأهل به نسبت های یکسانی اعتقاد به برابری زنان و مردان در عرصه‌های مختلف دارند ( $t=۰/۳۳$ ،  $P=۰/۷۴$ ).

-دختران مجرد اعتقاد بیش تری دارند که با ازدواج کردن و به عبارتی انتخاب فرصت ازدواج، از فرصتهایی دور خواهند ماند که هزینه ازدست دادن آنها بیش از هزینه ای است که متحمل بر انتخاب فرصت ازدواج می باشد چنان اعتقادی در میان زنان متأهل کم تر مشاهده شده است ( $P < 0/05$ ،  $t=2/28$ ).

جدول (۶): نتایج حاصل از آزمون فرضیه تفاوت مقیاس ها در بین دو گروه دختران مجرد و

#### متأهل

مقیاس‌ها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	اخلاف میانگین	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری (P)
میزان تحصیلات	دختران مجرد	۵۹۵	۱۴/۰۰	۳/۱۵	۰/۷۵	۳/۹۰	۱۱۹۵	۰/۰۱
	زنان متأهل	۶۰۲	۱۳/۲۵	۳/۴۹				
نگرش فرامادی به ازدواج	دختران مجرد	۶۳۳	۱۱/۹۵	۱/۷۵	۰/۵۸	۲/۶۶	۱۲۴۱	۰/۰۱
	زنان متأهل	۶۱۰	۱۱/۳۷	۱/۶۳				
اعتقاد به برابری جنسیتی	دختران مجرد	۶۵۳	۲۹/۳۸	۵/۴۹	۰/۱۰	-۰/۳۳	۱۲۸۶	۰/۷۴
	زنان متأهل	۶۳۵	۲۹/۴۸	۵/۵۵				
اعتقاد به هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته	دختران مجرد	۶۲۶	۶/۸۳	۲/۷۸	۰/۳۱	۲/۲۸	۱۲۴۵	۰/۰۵
	زنان متأهل	۶۲۱	۶/۵۲	۲/۳۶				

#### یافته های حاصل از آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک

همانطور که اشاره شد، متغیر وابسته این تحقیق، وضعیت تأهل دختران می باشد که از دو طبقه متأهل (با کد ۱) و مجرد (با کد ۲) تشکیل شده است. به همین دلیل، جهت پیش‌بینی تغییرات این متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مورد نظر، به دلیل مقیاس اسمی دومقوله‌ای بودن وضعیت تأهل (متأهل و مجرد)، از تحلیل رگرسیون لجستیک اسمی دووجهی<sup>۴۹</sup> و روش نسبت درست‌نمایی پیش‌رو<sup>۵۰</sup> استفاده شده است. در تفسیر نتایج رگرسیون لجستیک، سه آماره اهمیت زیادی دارند: (۱) والد<sup>۵۱</sup>: نشان‌دهنده معنی‌داری تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته است. (۲) B: جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد. (۳) Exp

<sup>49</sup> Binomial logistic regression (BLR)  
<sup>50</sup> Forward: Likelihood Ratio (Forward: LR)  
<sup>51</sup> Wald

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۵

(B): که به نسبت بخت‌ها<sup>۵۲</sup> معروف بوده و میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد، عبارت می‌باشد از نسبت احتمال وقوع یک پدیده به احتمال عدم وقوع آن. موقعی که نسبت بخت‌ها کوچک‌تر از عدد (۱) باشد، در آن صورت می‌گوییم که با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده کاهش می‌یابد و بالعکس، موقعی که نسبت بخت‌ها بزرگ‌تر از عدد (۱) باشد، در آن صورت با افزایش مقادیر متغیر مستقل، احتمال وقوع پدیده افزایش می‌یابد (حبیب پور گتایی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۷۰۸-۷۰۶ و ۷۳۰-۷۲۹).

در این تحقیق، برای تفسیر نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک مبنی بر عوامل مؤثر بر ازدواج دختران، مقدار آماره والد به‌عنوان معنی‌داری تأثیر، مقدار آماره B به‌عنوان جهت تأثیر و مقدار آماره نسبت بخت‌ها به‌عنوان اندازه تأثیر، مبنای قضاوت آماری قرار گرفته‌اند که نتایج حاصله براساس جدول شماره (۷) به شرح زیر قابل بیان می‌باشد:

۱- تحصیلات بیش‌ترین تأثیر را بر تأهل یا مجرد دختران دارد. نسبت بخت‌ها برای این متغیر برابر با  $۲/۰۴۵$  لالیت بر آن دارد که میزان تحصیلات دختران مجرد تقریباً دو برابر تحصیلات دختران متأهل است. از این رو، با افزایش میزان تحصیلات دختران، احتمال مجرد آنان با نسبت  $۲/۰۴۵$  افزایش یافته و بالعکس، کاهش میزان تحصیلات دختران، با کاهش  $۲/۰۴۵$  در احتمال مجرد آنان همراه است.

۲- اعتقادی که دختران نسبت به هزینه ازدست‌رفته فرصت‌ها دارند، به سهم خود در انتخاب تأهل یا مجرد آنان مؤثر است. این اعتقاد در دختران مجرد، نزدیک به دو برابر قوی‌تر از زنان متأهل است. بنابراین، هرچه دختران در انتخاب ازدواج بیشتر بر این باور باشند که با انتخاب فرصت ازدواج، فرصتهایی را از دست خواهند داد که هزینه ازدست‌دادن آن‌ها بیش‌تر از ازدواج است، احتمال مجرد آنان به نسبت  $۱/۹۵۲$  افزایش یافته و کم‌تر تن به ازدواج می‌دهند. طبیعی است با کاهش میزان اعتقاد آنان به چنین امری، شاهد کاهش میزان مجرد و بیانی افزایش احتمال تأهل دختران به نسبت  $۱/۹۵۲$  خواهیم بود.

۳- نوع نگرش (مادی/فرامادی) دختران به ازدواج نیز، در انتخاب یا عدم انتخاب ازدواج توسط آنان دخیل است. نتیجه تحقیق نشان داد که نگرش فرامادی به ازدواج، در دختران مجرد بیش‌تر از یک برابر زنان متأهل است. بنابراین، هرچه دختران از تلقی مادی‌گرایانه به ازدواج خارج شوند و به آن بیش‌تر به

<sup>52</sup>. Odds ratio (OR)

عنوان مقوله فرامادی بنگرند، احتمال تجرد آنان به نسبت ۱/۳۲۹ افزایش خواهد یافت. برعکس، تلقی مادی از ازدواج در نزد دختران، با همان احتمال ۱/۳۲۹ در کاهش تجرد و به عبارتی افزایش احتمال انتخاب تأهل در بین آنان مؤثر است.

جدول (۷): نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر بر ازدواج دختران

نام متغیر	B	S. E.	Wald	df	P	EXP (B)
عدد ثابت	۲/۲۳۹	۰/۵۴۲	۱۷/۰۴۴	۱	۰/۰۱	۰/۱۰۷
تحصیلات	۰/۲۷۳	۰/۰۳۱	۲۱/۹۲۸	۱	۰/۰۱	۲/۰۴۵
اعتقاد به هزینه فرصت‌های از دست رفته	۰/۰۸۷	۰/۰۱۸	۸/۰۸۴	۱	۰/۰۱	۱/۹۵۲
گرش فرامادی به ازدواج	۰/۰۶۴	۰/۰۲۱	۷/۶۱۵	۱	۰/۰۱	۱/۳۲۹

### بحث و نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی با ورود به حیات اجتماعی ملازم با نظم مدرن، تحولات و دگرگونی‌هایی را از سر گذرانده که چنانچه این تحولات بدون برنامه‌ریزی و پیش بینی اتفاق افتند و شرایط جامعه، چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، آماده برای پذیرش چنین تحولاتی نباشد، تبعات منفی آن از دستاوردهای مثبتی که خواهد داشت، بیش‌تر است. به نظر می‌رسد در رابطه با افزایش سن ازدواج دختران، شاهد چنین جریانی باشیم. بدین معنی که تجربه نوسازی و مدرنیته ایرانی، همگام با سایر ممالک اعم از توسعه یافته و درحال توسعه، و شرایط خاص حاکم بر چنین تجربه‌ای، موجب بروز پدیده‌ای به اسم افزایش سن ازدواج و در ادامه تجرد قطعی شده است. تأثیر تجربه مدرنیته ایرانی بر افزایش سن ازدواج دختران در سه سطح اتفاق می‌افتد:

سطح اول) سطح کلان جامعه: یعنی هرچه جامعه از حالت سنتی خارج شده و به موقعیت مدرن تر شود، نودیکلن افزایش سن ازدواج در آن بیش‌تر خواهد بود. بنا به تز محوری این تحقیق، علت‌العلل افزایش سن ازدواج دختران، تجربه مدرنیته و نوسازی جامعه ایرانی است. بنیادهای نظری متعددها بر تأثیر نوسازی و نوسازی‌های مختلف بر افزایش سن ازدواج دختران سخن گفته و به تنظیم

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۷

گزینه‌هایی در این خصوص پرداختند. ویلیام گود، از جمله تهرنی‌ها، معتقد است که نوسازی از طریق گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و نقش‌های مدرن و شهرنشینی، باعث افزایش سن ازدواج می‌شود. در سوی دیگر پایه معرفتی این فرضیه، انگلند، فاکس و اوپنهایم نیز در نظریه نوسازی خود اشاره می‌کنند که صنعتی‌شدن و شهرنشینی فرصت‌های اقتصادی جدیدی فراهم خواهند کرد که این فرصت‌ها به نوبه خود جایگزین جذابی برای ازدواج خواهند بود. ضمن آن‌که نوسازی با ایجاد انتظاراتی برای استاندارد زندگی کافی برای بعد از ازدواج، باعث تأخیر ازدواج می‌شود.

نتایجی که در مطالعه یافت شد، نشان از سهم بالای تجربه نوسازی و گذار ایران از نظم سنتی به نظم مدرن در تبیین افزایش سن ازدواج دختران تأثیر توسعه اقتصادی و اجتماعی و تجربه مدرنیته بر افزایش سن ازدواج دختران در تحقیقات داخلی، بهنام (۱۳۴۸) کاری (۱۳۸۲) و محمودیان (۱۳۸۳) و تحقیق خارجی زنوس و سوکورو (۱۹۹۲) یافت شده است. البته این نکته را نباید ندیده گرفت که تأثیر تجربه نوگرایی و مدرنیته (با شاخص‌های موردالاشاره) بر افزایش سن ازدواج دختران، پدیده‌ای است فراگیر و ذاتی این گذار که جملگی جوامع در حال تجربه فرآیند توسعه را در برمی‌گیرد.

سطح دوم سطح میانی جامعه؛ تحولات میانی جامعه نیز به نوبه خود موجب افزایش سن ازدواج دختران ایرانی شده است. تأثیرات ناشی از تجربه مدرنیته ایرانی بر سطح میانی جامعه که در نهایت افزایش سن ازدواج در دختران را موجب شده، همان‌طور که کالول (۲۰۰۵) پیش‌تر دریافته بود، در مناطق گوناگونی که گستره و عمق متفاوتی از مدرنیته را تجربه می‌کنند، متفاوت می‌باشد. کالول معتقد است که الگوهای ازدواج در هر جامعه، بازتاب بافت فرهنگی و تغییرات اقتصادی و اجتماعی آن جامعه می‌باشد. هرچه میزان این تغییرات سریع‌تر و از عمق بیش‌تری برخوردار باشد، تأخیر ازدواج بیش‌تر است. هم‌چنان‌که براساس نتیجه تحقیق‌وی، در منطقه آسیای جنوبی به دلیل تغییر کم‌تر در شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، کم‌تر شاهد تغییر الگوی ازدواج هستیم، امری که در مناطق آسیای شرقی و جنوب شرقی خلاف آن (افزایش سن ازدواج) مشاهده است.

ساختار نابهنجار و آشفته اقتصادی و اجتماعی جامعه منلیز، دیگری است که به سهم خود در افزایش سن ازدواج دختران در جامعه موثر افتاده است. ادبیات نظری مرتبط، افرادی همچون مین، به فرمول‌بندی تأثیر آشفته‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه بر افزایش سن ازدواج پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق حاضر، آشفته‌های اقتصادی در جامعه در حال گذار ایرانی که همچنان در برزخ سنت و

مدرن آشیانه گزیده، تأثیر بس منفی بر ازدواج (و به عبارتی، تأثیر مثبت بر تأخیر ازدواج) دختران دارد. نتایج نشان داد که هرچه میزان این آشفتگی در جامعه بیش تر باشد، تأخیر ازدواج در بین دختران بیش تر که آلفستگ را اقتصادی موجب کاهش قطعیت های اقتصادی و اجتماعی، انومی اقتصادی و اجتماعی، ناامیدی اجتماعی، تغییر معیارها، خواستها و انتظارات خانواده ها و دختران و پیامدهای دیگری شده که به نوبه خود در فشرده سازی دایره همسرگزینی و تأخیر ازدواج دختران تأثیرگذارند. هامپلوا (۲۰۰۳) شدت تأثیر شرایط بد اقتصادی بر زمان بندی ازدواج دختران را زمانی بیش تر می داند که در چنین شرایطی، هنجارهای فرهنگی در ارتباط با هزینه های ازدواج و استاندارد زندگی تغییر نکرده و با آن هماهنگ نشود. این رو، در نتیجه چنین تأخیری، هزینه ازدواج (با فرض درآمد واقعی مشخص) در نزد دختران، اگر ایدم ازدواج فرض شده و در نتیجه شاهد تأخیر ازدواج در بین آنان هستیم. عباسی و همکاران (۲۰۰۲) در تحقیق خود در ایران دریافتند که افزایش هزینه های زندگی و شرایط بد اقتصادی در دوره بعد از انقلاب به خصوص در فاصله سال های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۶ موجب شده تا نرخ ازدواج در این دوره سیر نزولی داشته باشد. همچنین، بهنام (۱۳۴۸) میری و همکاران (۱۳۷۴)، سیدفاطمی (۱۳۷۶)، یعقوبی چوبری (۳۷۸) بانی و سارانی (۳۸۰) تحقیقات خود به چنین تأثیری پی بردند. در منابع خارجی، نیتو، نیکلجه، تخقیقل شل، و پالونی و همکاران (۱۹۹۶) مپلو و ا (۲۰۰۳) اکوم نایکیت (۲۰۰۳) دلالت بر نتایج مشابهی دارد.

از سوی دیگر، آشفتگی های اجتماعی در سطح جامعه مانند طلاق و مشاهده آن از طرف دختران مجرد، بر تأمل و تأخیر بیش تر آن ها در امر ازدواج تأثیر نهاده و موجات احتیاط و محافظه کاری هرچه بیش تر آنان را فراهم می رسوزیلن مطالعات خارجی، نتیجه تحقیق گارینو (۱۹۹۹) مینی بر تأثیر افزایش طلاق در جامعه بر افزایش سن ازدواج دختران، با نتیجه تحقیق حاضر مشابه بوده است.

سطح سوم) در سطح فردی نیز، شاهد تحولاتی در خود دختران هستیم، تحولاتی که نتیجه گذار جامعه ایرانی از نظم اجتماعی سنتی به مدرن می باشد. نتایج نشان داد که دختران مجرد به دلیل برخورداری از تحصیلات، استقلال اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، آزادی انتخاب و عمل، فاصله گیری از نظارت والدین و اطرافیا که تماماً به طور متقابل با یکدیگر ارتباط دارند، از نوگرایی بیش تری برخوردارند. از این رو، طبیعی است که این نوگرایی دختران، انتظارات آنان از ازدواج را تغییر داده و تعریف متفاوتی از ازدواج به آنان به دهه هت مکّه به دنبال خود موجب تأخیر و دیررسی ازدواج در بین آنان خواهد شد. تغییر انتظارات از

علل افزایش سن ازدواج دختران ۲۹

ازدواج، نتیجه‌ی است که در تحقیقات بهنام (۱۳۴۸)، حیدری زهراپور (۱۳۷۲) سیدفاطمی (۱۳۷۶) و ربانی و سارانی (۱۳۸۰) نیز مشاهده شده است.

انگلند، فارکاس و اوپنهایم در نظریه مشهور خود به نام سرمایه انسانی، به فرمول‌بندی تأثیر تحصیلات بر دیررسی و دیرکرد پذیرش ازدواج از سوی دختران پرداختند. آن‌ها در این نظریه، اذعان داشته‌اند که با ظهور پیامدهای مدرنیته مانند گسترش صنعتین و شهرنشینی و خصوصاً تحصیلات دختران، باید شاهد افزایش سن ازدواج دختران در کشورهایی باشیم که این قبیل شاخصه‌ها را تجربه زعم این افروغی، کنفللمبک اصلی بالارفتن سن ازدواج دختران، سرمایه انسانی و به معنی واقعی کلمه، تحصیلات است. در تحقیق حاضر نیز شاهد تأثیر معنی‌دار افزایش تحصیلات دختران مجرد بر مجرد و عدم ازدواج آنان بودیم. در توضیح دلایل تأخیر ازدواج در بین دختران، مکونالد و هیول به عامل آزادی و نقش تحصیلات در فراهم کردن شرایط این آزادی معتقد بوده و اذعان می‌دارند که افزایش تحصیلات دختران باعث استقلال فکری و آزادی هرچه بیشتر آن‌ها از اطرافیان به خصوص والدین شده و در نتیجه کسب چنین آزادی، و به عبارتی حرکت از ازدواج ترتیب‌داده به ازدواج خودانتخابی، ازدواج را براساس معیارهای شخصی تعریف کرده و آن را به تأخیر می‌اندازند. حتی در نتیجه چنین جریانی، به اعتقاد منش (۲۰۰۵) والدین دخترانی که از تحصیلات بالاتر برخوردارند نیز ممکن است به یک نوع عقلانیت قوی برسند مبنی بر این که تعویق ازدواج برای دختر آن‌ها، به‌خاطر افزایش پتانسیل کسب درآمد، امری عقلانی است. البته این تأثیر تحصیلات بر تأخیر ازدواج در کوتاه بوده و طبعاً علی‌رغم وجود چنین ارتباطی، در بلندمدت این رابطه همواره برقرار نیست.

نظریه سرمایه انسانی مبنی بر تأثیر تحصیلات دختران بر تأخیر ازدواج در بین آنان، در اکثریت قریب به اتفاق مطالعات اعم از داخلی و خارجی مورد تأیید قرار گرفته است. به‌طوری که در میان مطالعات داخلی، بهنام (۱۳۴۸)، مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲)، استانداری یزد (۱۳۷۵) سیدفاطمی (۱۳۷۶)، تهرانی (۱۳۷۹) ربانوی سارانی (۱۳۸۰) کاری (۱۳۸۲)، محمودیان (۱۳۸۳) و فینکس و کاظمی (۱۳۸۳) و در میان مطالعات خارجی، افرادی مانند ترنر (۱۹۹۰) تون، گود، برودرل (۱۹۹۷) و زنگ (۲۰۰۳) منش (۲۰۰۵)، راوانرا و راجالتون (۲۰۰۵) و یایکو (۲۰۰۵) یج مشابهی در این خصوص دست یازیدند.

همچنین، تغییر نگرش دختران نسبت به ازدواج، دلیل دیگری بر تأخیر ازدواج در بین آنان می‌باشد. این تحقیق دریافت که در حیات مدرن، در نتیجه تجربه مدرنیته اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توسط جامعه ایرانی و خاصه دختران، آن‌ها تعریف خود از ازدواج را تغییر داده‌اند. این تغییر تعریف از ازدواج، بار ارزشی آن را نیز از امری مادی به امری فرامادی تغییر داده است. اینگلههارت در توضیح چنین وضعی، از تضعیف ارزش‌های مادی و در مقابل گسترش ارزشی فرامادی در جامعه، در نتیجه توسعه اقتصادی بلندمدت، یاد می‌کند و معتقد است این تغییر باعث تأخیر ازدواج می‌شود. تحت چنین شرایطی، کارکرد امنیتی خانواده در قلمرو ارزش‌های مادی قرار گرفته و در جامعه مدرن رو به زوال می‌نهد (به تعبیری، بار معنایی سابق را از دست می‌دهد) هوا گزینهد یلی مانند هم‌خانگی (یا دوستی‌ها به شکل‌های رفاقت، علمی و...) آن [از همین‌گیرنده، شاهد عدم گرایش دختران امروزی به تشکیل خانواده و ازدواج هستیم. مرکز پژوهش‌های بنیادی (۱۳۷۲) در تحقیق خود دریافت که با توجه به تحولات صورت‌گرفته در کشور در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نگرش دختران با نگرش سابق متفاوت می‌باشد. در میان مطالعات خارجی نیز، زنوس و سوکورو (۱۹۸۲) دریافتند که در نتیجه توسعه سریع اقتصادی، دختران برداشت‌های جدید و متفاوتی از ازدواج دارند و در ادامه چنین وضعی، شاهد تأخیر ازدواج در بین آنان خواهیم بود. براساس نظریه گذار جمعیتی دوم نیز، تضعیف کنترل هنجاری، افزایش استقلال اقتصادی و سکولاریزاسیون در بین دختران، سلايق آنان را به سمت فردگرایی، آزادی و استقلال تغییر داده و در نتیجه باعث تأخیر ازدواج می‌شود.

و در نهایت این که، براساس تحلیل‌های اقتصادی، در دنیای امروزی، امور، ماهیت شی‌زدگی و مبادله‌ای پیدا کرده و کنش‌گران در این مبادله، با تحلیل هزینه-فایده، سعی دارند با کمینه‌سازی هزینه‌ها، حداکثر فایده را از امر مورد مبادله بیبرندبکر، افراد زمانی تن به ازدواج می‌دهند که منافع محاسبه‌شده (صرفه‌های مقیاس و تخصصی‌شدن نیروی کار) ازدواج از هزینه‌های محاسبه‌شده (هزینه‌های مالی و کسب حداقل استانداردهای زندگی) آن بیش‌تر باشد. بنابراین، دخترانی که دچار تأخیر ازدواج می‌شوند، کسانی هستند که معتقدند هزینه ازدواج بیش از فایده‌های آن است. تحقیق حاضر نیز نشان داد که دختران بر این باورند ازدواج موجب می‌شود تا آن‌ها از برخی فرصت‌های دیگر به خصوص پیشرفت در کار و شغل خود جا بمانند و هزینه این فرصت‌ها بیش از آن هزینه است که فرد باید با ازدواج کردن از دست



علل افزایش سن ازدواج دختران ۳۱

افزودید. این، این نگرش به افزایش فیزیکی در میان دخترانی که تحصیلات بالاتری دارند، بیش تر وجود دارد، چراکه ارزش فرصت های ازدست رفته برای آنها بالاتر است. لوگران و زیسیمپولوس (۲۰۰۴) در تحقیق خود دریافته بودند که ممانعت ازدواج از توسعه ی شغلی فرد، موجب تأخیر ازدواج در بین دختران شده است.

## منابع

- آبرخت، فاطمه (۱۳۸۴) بررسی دلایل افزایش سن ازدواج دختران، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- آستین فشان، پروین (۱۳۸۰). «حوالات سن ازدواج زنان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن طی سال های ۷۵-۱۳۵۵»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- استانداری یزد (۱۳۸۵) سن ازدواج بانوان شهر یزد، حوزه سیاسی - امنیتی، شورای اجتماعی استانداری، وزارت کشور.
- اینکلهارت، رونالد (۱۳۸۲) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، چ دوم، تهران: کویر.
- حبیب پورگتایی، کرم و رضا صفری شالی (۱۳۸۸) راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه.
- صیفوری طغرالجردی، بتول (۱۳۸۳) «عوامل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی مؤثر سن اولین ازدواج: مطالعه موردی زنان متأهل ۴۹-۱۵ ساله روستاهای شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان ایران» پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شیراز.
- کاری، فیروز (۱۳۸۳) «تأثیر اشتغال زنان بر تأخیر در سن ازدواج در تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد، دانشگاه الزهراء.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل، پشلیق» علوم اجتماعی، شماره ۲۴، ۸۵-۶۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز پژوهش های بنیادی (۱۳۷۲) عوامل مؤثر بر سن ازدواج، معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یعقوبی چوبری، علی (۱۳۸۳) «عموماً درجه اولی در ازدواج جوانان شهر رشت»، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

Becker, G.S. (1996) "A Treatise on the Family, Cambridge, Massachusetts", London: Harvard University Press, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation. Institute

of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague. Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

**Blossfeld, H.-P, & Hamerle, A.** (1992) "Unobserved heterogeneity in event history models, Quality and Quantity", 26, 157-168. in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

**Brüderl, Josef** (1997) Education and Marriage: A Comparative Study, Institute of Sociology, Munich Andreas Diekmann, Institute of Sociology, Berne, May.

**Caldwell, Bruce K.** (2005) "Factors affecting female age at marriage in South Asia: Contrasts between Sri Lanka and Bangladesh", Asian Population Studies, Routledge, part of the Taylor & Francis Group, Volume 1, Number 3, November, pp. 283-301.

**Caldwell, Bruce K.** (2005) Factors affecting female age at marriage in South Asia, Australian National University, Canberra.

**Coleman, J.S. and T.J. Fararo** (1992) "Rational Choice Theory, Advocacy and Critique", London: Sage Publication, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

**Coontz, Stephanie** (2006) Marriage as social contract, <http://www.philly.com>, Oct. 22.

**Dixon, R.** (1971) "Explaining cross-cultural variations in age at marriage and proportions never marrying", Population Studies, 25, 215-233, in: Nobles, Jenna and Buttenheim. Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

**England, P., & Farkas, G.** (1986) "Households, employment, and gender", Hawthorne, NY: Aldine de Gruyter, in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

**Friedman, D., M. Hechter and S. Kanazawa** (1994) "A Theory of the Value of Children", Demography vol. 31 (3, 375-401, in: Hamplova, Dana (2003) Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

- Fuchs, Victor R.** (1994) "Gary S. Becker: Ideas about facts", *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 18, No. 2.
- Grossbard-Shechtman, Shoshana A.** (2003) *Marriage and the Economy: Theory and Evidence from Advanced Industrial Societies*, Cambridge University Press.
- Hamplova, Dana** (2003) "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation", *Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review*, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.
- Hill, K. and et al.** (1993) *Demographic effects of economic reversals in sub-Saharan Africa*, Washington, DC: National Research Council - National Academy Press, in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006, *Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia*, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.
- Inglehart, R.** (1990) "Culture Shift in Advanced Industrial Society", Princeton: Princeton University Press, in: Hamplova, Dana (2003) *Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation*, Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, *Sociologický časopis/Czech Sociological Review*, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.
- Landale, N. S., & Tolnay, S. E.** (1991) *Group differences in economic opportunity and the timing of marriage: Blacks and whites in the rural south, 1910*, *American Sociological*
- Loughran, David S. and Zissimopoulos, Julie M.** (2004) *Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages*, RAND Labor and Population working paper series, November 8.
- Matouschek, Niko and Rasul, Imran** (2006) *The economics of the marriage contract: theories and evidence*, October.
- Mensch, Barbara S. And et al.** (2005) *Trends in the Timing of First Marriage Among Men and Women in the Developing World*, The Population Council, Inc, New York.
- Minh, Nguyen Huu** (1997) "Age at First Marriage in Viet Nam: Patterns and Determinants", *Asia-Pacific Population Journal*, Vol. 12, No. 2, June.
- Mitra, P.** (2004) "Effect of socio-economic characteristics on age at marriage and total fertility in Nepal", *Journal of Health and Population*, No. 221, PP. 84-96, in:
- Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison** (2006) *Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia*, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.
- Oppenheimer, V. K.** (1988) "A theory of marriage timing", *American Journal of Sociology*, 94, 563-591. in: Nobles, Jenna and Buttenheim, Alison (2006)

Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia. California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

**Peng, Tey Nai** (2006) Trends and Correlates of Delayed Marriage in Malaysia and Implications for Development, International Conference on Population and Development in Asia: Critical Issues for a Sustainable Future, 20 – 22 March, Phuket, Thailand.

**Ravanera, Zenaída R. and Rajulton, Fernando** (2005) "Changes in Economic Status and Timing of Marriage of Young Canadians", Population Studies Centre, University of Western Ontario Review, 56, 33-45, in: Nobles, Jenna and Buitenhuis, Alison (2006) Marriage in Periods of Crisis: Evidence from Indonesia, California Center for Population Research, On-Line Working Paper Series, October.

**Rosina, Alessandro and Fraboni, Romina** (2004) "Is marriage losing its centrality in Italy?", Demographic Research, Volume 11, Article 6, Pages 149-172, 14 September, <http://www.demographic-research.org/Volumes/Vol11/6/>.

**Willekens, F.J.** (1989) "Understanding the Interdependence between Parallel Careers", PP. 11-31, in: Female Labour Market Behaviour and Fertility, edited by J.J. Siegers, J. Jong-Gierveld, and E. van Imhoff. Heidelberg: Springer-Verlag, in: Hamplova, Dana (2003) "Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation", Institute of Sociology, Academy of Sciences of the Czech Republic, Prague, Sociologický časopis/Czech Sociological Review, 2003, Vol. 39, No. 6: 841-863.

**Wong, Odalia M. H.** (2005) The Socioeconomic Determinants of the Age at First Marriage among Women in Hong Kong, Journal of Family and Economic Issues, Department of Sociology, Hong Kong Baptist University, Kowloon Tong, Hong Kong, Springer Netherlands.